

رهایی از ترس

خطبه ای از انجیل متا 14؛ 22-33



22 آنگاه عیسی شاگردان را وادار ساخت که سوار قایق شده قبل از او به طرف دیگر دریا بروند تا خودش مردم را مرخص نماید. 23 پس از انجام این کار عیسی به بالای کوهی رفت تا به تنهایی دعا کند. وقتی شب شد او در آنجا تنها بود. 24 در این موقع قایق در وسط دریا به علت باد مخالف، گرفتار امواج شده بود. 25 بین ساعت سه و شش صبح عیسی درحالی که بر روی دریا قدم میزد نزد آنها آمد. 26 وقتی شاگردان عیسی را دیدند که بر روی آب دریا راه می رود آن قدر ترسیدند که با وحشت فریاد زده گفتند: «این یک شیخ است.» 27 عیسی فوراً به ایشان گفت: «دل قوی دارید، من هستم، نترسید.» 28 پطرس گفت: «ای خداوند اگر تو هستی به من دستور بده تا من هم بر روی آب نزد تو بیایم.» 29 عیسی فرمود: «بیا.» پطرس از قایق پایین آمد و بر روی آب به طرف عیسی رفت. 30 اما وقتی شدت توفان را دید، به وحشت افتاد و درحالی که در آب غرق می شد فریاد زد: «خداوندا، نجاتم بده.» 31 عیسی فوراً رسید و دست او را گرفته گفت: «ای کم ایمان، چرا شک کردی؟» 32 آنها سوار قایق شدند و باد قطع شد

33 و کسانی که در قایق بودند به پای او افتاده می گفتند: «تو واقعاً پسر خدا هستی.»

ما به شکل های گوناگونی از مرگ می ترسیم. مثلاً در جبهه های جنگ ، در بیمارستان ، در زندان و یا در فجایای طبیعی. ترس می تواند در بعضی از اوقات مانع از پیشرفت ما در زندگی شود و یا حتی باعث ایجاد دلهری در ما گردد. ترس هایی مثل از این قبیل: آینده شغلی من چه خواهد شد؟ یا عاقبت زندگی و خانواده من چه خواهد شد؟

خطبه امروز ما مربوط به ترس می شود. دوستان عیسی که ماجرای برآورده شدن غذای 5000 نفر از مردم توسط عیسی را به چشم دیده بودند حالا باید با یک قایق کوچکی از دل یک دریای طوفانی عبور کنند. آنها در طول این مسیر دچار طوفان شدیدی می شوند. ولی در آنجا عیسی دیگر حضور نداشت و دستان آنها از دریافت هرگونه کمکی کوتاه بود. آنها در برابر طوفان قرار داشتند

و فریاد دریافت کمک سر می دادند. ولی عیسی دیگر در آنجا نبود. این شاگردان عیسی که در این طوفان به این شکل درآمده بودند نمادی برای کلیساها به حساب می آمدند. پولس در این باره در اینجا می نویسد:

ما نمی خواهیم از زحماتی که در استان آسیا برای ما پیش آمد بی خبر باشید. بارهایی که بر دوش ما گذاشته شد آن قدر گران و سنگین بود که امید خود را به زندگی از دست دادیم. احساس می کردیم که حکم اعدام ما صادر شده بود. چنین اتفاقی افتاد تا به خدایی که مردگان را زنده می کند متکی باشیم نه به خودمان. خدا ما را از خطر مرگ بسیار وحشتناکی رهانید و امید ما باز هم به اوست که بار دیگر ما را رهایی بخشد. شما نیز باید با دعاهایتان ما را یاری کنید تا وقتی عده بسیاری برکاتی را که خدا به ما داده است ببینند، آنگاه عده بیشتری به خاطر ما خدا را سپاس خواهند گفت.

این تصویری که ما از داستان دریای طوفانی می بینیم. کاملاً مناسب تاریخ و دوران کلیساها می باشد. زیرا کلیساها همیشه چه از داخل و چه از بیرون مورد تهاجم قرار می گرفتند. در بعضی از زمان ها مسیحان تحت تعقیب قرار می گرفتند و در بعضی از دوران ها انسان ها بی ایمان تفکرشان را مابین افراد مسیحی گسترش می دادند. و بدین ترتیب است که برای ما این سوال پیش می آید که چرا عیسی اجازه می دهد که کلیسای او بدین شکل درآید؟ و چرا عیسی اجازه می دهد که شاگردانش در ابتدا در مقابل آن طوفان قرار بگیرند؟ و چرا آنها را در ابی آرام رها نمی کند و نمی گذارد که آنها به سلامت به خشکی برسند؟ و چرا او آنها را قبل از ظهور خودش در تاریکی به وحشت انداخت؟ و چرا او به پطرس اجازه می دهد که بر روی اب برود و بعد از اندکی او را به زیر اب می فرستد؟ با این سوال ها ما دوباره به اولین چراهای تاریخ بشریت بازمی گردیم. جایی که چرا خداوند به شیطان و پلیدی اجازه می دهد تا از ادانه بر ما نفوذ داشته باشند. آیا او نمی توانست برنامه اسانی تری برای ما داشته باشد؟

هر کی که فکر می کند که من برای این سوال جوابی دارم ، سخت در اشتباه می باشد . زیرا برای این سوال فهم و درک ما به اندازه کافی بالغ نمی باشد. حتی انجیل هم جواب این گونه سوال ها را در خود ندارد.

ولی در ایه های خوانده شده امروز ، به روش هایی اشاره شده است که به ما می گوید که ما چطور می توانیم با این سوال ها کنار بیاییم. ان زمانی که شاگردان عیسی در آن دریای طوفانی قرار داشتند ، مرگ و ترس در یک قدمی آنها قرار داشت. آنها به سرعت معجزه غذا دادن عیسی به 5000 نفر و معجزه های دیگر او را فراموش کرده بودند. آنها در مرکز ترس خودشان عیسی را دیگر نمی دیدند. و وقتی که او خودش را بر روی اب ظاهر می کند . او برای شاگردانش به عنوان یک فرشته نجات دیده می شود. و پطرس بدین صورت از او این سوال را می پرسد: که آیا این تو هستی که به من دستور می دهی که بر روی آب راه بروم. زمانی که عیسی ان دستور را به پطرس می دهد ، او به معنی واقعی ایمان پی می برد. در ان زمان طوفان ادامه داشت ولی پطرس اجازه داشت که اندکی به سوی عیسی حرکت کند و به او خیره شود. او می توانست این را تجربه کند که با وسیله قدرت عیسی چطور آدم می تواند در مقابل طوفان و مشکلات قرار بگیرد. این تصویری که ما از پطرس می بینیم. تصویر حقیقی کلیسای امروزی می باشد. ولی عیسی همیشه خطر را از جلوی راه ما بر نمی دارد. خدا در یوحنا در فصل 16 ایه 33 چنین گفته است: این چیزها را به شما گفتم تا در اتحاد با من آرامش داشته باشید. در جهان رنج و زحمت خواهید داشت. ولی شجاع باشید، من بر دنیا چیره شده ام.» همانطوری که عیسی طوفان و موج های بزرگ را از جلوی راه شاگردانش برداشت. او همین عمل را امروزه در کلیسا ما انجام می دهد. تا زمانی که ما در این دنیا زندگی می کنیم شاهد ترس ها و نگرانی های زیادی می شویم. ما در این دوران ها تجربه های تلخی را خواهیم داشت که در عیسی نمی توان آنها را پیدا نمود. همانطوری که داستان 10 خانم جوان به ما می گوید که داماد برای منتهی ناپدید می شود ، عیسی هم بدین گونه عمل می کند. او نه تنها ناپدید می شود بلکه او انقدر صبر می کند تا انهایی که ایمان دارند به این فکر بی افتند که او دیگر هرگز نخواهد آمد. عیسی شاگردان و کلیسای خودش را برای یک منتهی راه می سازد تا خودش را برای آمدن آماده سازد. عیسی در یوحنا می گوید: شما منتهی من را نخواهید دید و ترس وجودتان را فراموش خواهید گرفت. با این گفته عیسی ، ما می توانیم کمی خوشحال باشیم که او ما را برای همیشه تنها نخواهد گذاشت و او با پایانی خوب در انتها به سراغ ما خواهد آمد. و عیسی با سخن خود به ما اشاره می کند که این فجایی از کجا می توانند بیایند. پطرس در ان لحظه اجازه یافت که بر صورت عیسی نگاه بکند و او در آنجا به معنی ایه های فصل 91 کتاب مزامیر پی می برد: بر شیر

و افعی گام خواهی نهاد؛ شیر جوان و اژدها را پایمال خواهی کرد. خطرات و مشکلات می توانند بوسیله عیسی همانند یک کره که در گرمای خورشید قرار می گیرد ، به یکباره از بین بروند. ولی این در حالی است که اگر ما تا زمانی که با عقل و شعور خودمان به این موضوع نگاه کنیم قدرت خداوند برای ما به چشم نخواهد آمد. که در آن صورت ما باید در خودمان غرق بشویم و بمیریم. دقیقا همان اتفاقی که برای پترس نیز رقم خورده است. عیسی با این معجزه نمی خواهد که به ما بگوید ، ما چطور بوسیله یک حقه روی اب راه می توانیم برویم. بلکه او به ما موضوع مهمتری را می خواهد گوش زد بکند و میل دارد به ما بگوید که ما چطور می توانیم بدین وسیله به خطراتی که در مقابل کلیسا و مسیحیان وجود دارند مقابله بتوانیم بکنیم. توانایی راه رفتن بر روی اب پترس به این دلیل نبود که او عیسی را می توانست ببیند بلکه فقط او توانسته بود که کلام عیسی را بشنود.

ولی صبر کنید . همه چیز آن قدر صیح نمی باشد که شما می گوید. زیرا پترس نتوانست برای همیشه بر روی اب راه برود. او نتوانست برای مدت طولانی بر روی اب راه برود . چیزی که در اینجا رخ داده است این می باشد که پترس بعد از فرو رفتن در اب توسط عیسی نجات داده شده است. و به نظر من این بزرگترین تسلی برای ما در این داستان می باشد. وقتی که ما از پترس صحبت می کنیم در واقع از کسی حرف می زنیم که کلیسا را بنا نهاده است. او یکی از ستون های اصلی کلیسا می باشد. ما در اینجا با یک شخصیتی که دارای ایمان قوی باشد و همچنین با ادمی که ما بتوانیم به ان افتخار کنیم روبه رو نیستیم بلکه ما از کسی حرف می زنیم که بایستی همیشه از طرف عیسی نجات داده بشود. و دقیقا این همان تصویر یک کلیسا می باشد چراکه عیسی از ما انتظار ندارد که ما همیشه در یک سطح از ایمان قوی قرار داشته باشیم. همانطوری که او امروزه از ما انتظار کمی دارد که ما بر روی اب بتوانیم راه برویم به همان اندازه او از ما انتظار دارد که ما در کلیسا بتوانیم درخشش خودمان را به دیگران نشان بدهیم. عیسی می داند که این زندگی دنیوی چقدر برای ما سخت می باشد برای همین او از نقاط ضعف ما با خبر است و می داند که ما بدون او نمی توانیم به اسانی از مشکلات خارج بشویم. و برای همین او کلام خودش را به ما می دهد تا ما در این راه پیروز گردیم. و برای همین است که او در همه حال آماده است تا ما را از غرق شدن نجات دهد.

آن زمانی که عیسی وارد قایق شد و موج ها آرام گرفتند. همه با خود این را می گفتند: تو واقعا پسر خدای پدر هستی. چیزی که ان شاگردان در آن لحظه گفتند ، بزرگترین معجزه ان داستان می باشد. در این داستان همه چیز به کلیسا بر می گردد. همچنین ما در آخر نمی توانیم همیشه بر شیطان و پلیدی پیروز شویم و یا معجزه کنیم و یا بیماران را شفا دهیم بلکه ما بایستی فقط به این اعتقاد داشته باشیم که عیسی تنها پسر خداوند می باشد. در طول زندگی ما این جمله ، همیشه و همیشه بر روی زبان و قلب ما خواهد آمد و ما ان را با اطمینان خواستی بیان می کنیم.

آمین